

عنوان مقاله:

ضدزیبایی شناسی در هنر اسلامی

محل انتشار:

اولین همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

مطهر رادی - مربی گروه هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

خلاصه مقاله:

در نوشته های فلسفی و متون انتقادی هنر معاصر، ضدزیبایی اصطلاحی نوپاست که از دهه ی ۸۰ قرن بیستم به صورت پرکاربرد وارد دامنه ی واژه شناسی مرتبط با مطالعات نظری هنر شده است. مبنای اصلی ظهور و توسعه کاربرد این اصطلاح در کنار بسیاری از واژگان دیگر، مانند موقعیتهای بدون حسگرایی غیر، زیبایی و یا شرایط کریه و ناخوشایند، قیامی برعلیه زیبایی شناسی رایج در تاریخ فلسفه در دوران پس از-زیبایی شناسی است. طی دهه های اخیر نظریه پردازان و پژوهشگران هنر اسلامی به این نتیجه رسیده اند که زیبایی شناسی رایج در هنر غرب، مخصوصا آنچه در گفتمان هنر دوران مدرن، پس از رواج این اصطلاح در پی انتشار کتاب الکساندر بومگارتن از اواسط قرن ۱۸ میلادی رواج پیدا کرده است، منطبق با وجوه شناخت شناسی و وجودشناسانه هنر اسلامی و مورد استفاده برای شناخت و تحلیل آثار هنر اسلامی نیست. لذا متفکرین و منتقدان هنر اسلامی همواره به جای معیار قرار دادن مولفه ها و معیارهای زیبایی شناسی، برمبنای شاخصه های حکمت هنر اسلامی به طرح نظرات خود در ارتباط با آثار هنر اسلامی میپردازند. ضدزیبایی شناسی دارای مولفه هایی است که آن را در مقابل زیبایی شناسی قرار می دهد، از جمله طرد حس گرایی و التذاذ حسی حاکم بر زیبایی شناسی و نامعتبر دانستن دآوری زیباشناختی ذهن گرایانه (ذوقی) مبتنی بر احساس لذت که محوریت دیدگاه های فیلسوفانی همچون کانت است. با بررسی دو شاخصه نفی حسگرایی و ذهنگرایی میتوان نقاط اشتراک حکمت هنر اسلامی و ضدزیبایی شناسی را مورد سنجش قرار داد و جنبه های ضدزیبایی شناسانه هنر اسلامی را شناسایی کرد.

کلمات کلیدی:

حکمت هنر اسلامی، زیبایی شناسی، ضدزیبایی شناسی، هنر اسلامی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1381516>

